



## (مطالعه ارتباط بین هنر و انسان شناسی در زمینه اشیاء فرهنگی (مطالعه موردی: ظروف سفالی سیلک دوره مس سنگی در موزه ایران باستان)

الهه پنجه باشی

نویسنده مسئول: دانشیار و هیئت علمی، گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

نگار نجیبی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

### چکیده

در گذشته، مبحث تفکیک انسانشناسی از هنر، منعکس کننده نگرش کلی انسان شناسان نسبت به فرهنگ مادی و بیش از حد محدود بود. اما اخیراً انسان شناسی هنر، وارد مرحله جدیدی از حرکت به سمت جایگاه حقیقی خود شده و اکثر انسان شناسان نقش محوری تری برای معرفی فرهنگ مادی در ارتباط با انسان شناسی قائل شده اند. به این ترتیب، مسئله اصلی مطرح شده، گنجانیدن هنر در انسان شناسی در تولید اشیاء فرهنگی است. هدف از این نوشتار بررسی ارتباط بین هنر و انسان شناسی در زمینه اشیاء فرهنگی مانند ظروف سفالی سیلک دوره مس سنگی در موزه ایران باستان است. سوال اصلی مطرح شده این است که هنر چگونه مطالعه انسان شناسی را در زمینه تولید اشیاء فرهنگی منعکس یا هدایت می کند؟ این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی جهت مطالعه ارتباط بین هنر و انسان شناسی در زمینه اشیاء فرهنگی از جمله شش ظرف سفالی سیلک دوره مس سنگی متعلق به موزه ایران باستان انجام شده است. نتایج نشان می دهد که مراحل تکامل نقشمایه ها و ساختار ظروف سفالی سیلک باز نمودی از معنای کارکردی هنر در ارتباط با تکامل اندیشه و فرهنگ انسانی است که در راستای این رشد و پیشرفت کنش انسانی به وجود آمده است. همچنین، ابعاد و نقوش نمادین این سفالینه ها نه تنها می تواند کاربرد مصرفی داشته باشد، بلکه برای استفاده در مناسبت های خاص از جمله مراسم تدفین یا آیینی کاربرد داشته است.

**واژگان کلیدی:** انسان شناسی، هنر، فرهنگ مادی، ظروف سفالی، سیلک، موزه ایران باستان.

## مقدمه

در حدود نیم قرن، باستان شناسان تحقیقات خود را بر درک مکانیسم های زیربنای ساخت فرهنگ های انسانی نه تنها برای دستیابی به ساختار و تداوم سنت‌ها، بلکه نحوه وقوع این نوآوری‌ها معطوف کرده اند. اشیاء فرهنگی به عنوان مقوله‌ای در جامعه‌ی امروز، بیش‌تر از آن چیزی هستند که صرفاً براساس معیارهای زیبایی‌شناختی قضاوت شوند. اساساً، هنر و فرهنگ مادی بخشی جدایی ناپذیر از انسان شناسی قرن نوزدهم محسوب می‌شد و به عنوان یک رشته مطالعاتی مشخص، انسان شناسی با باستان گرایی و با گسترش افق های جدید فکری پس از دوره روشنگری توسعه یافت. مسئله ای که در اینجا مطرح می‌شود، مسئله ادغام زیبایی‌شناسی هنری و فرهنگ مادی انسانی است که منجر به معناگرایی دوگانه ایی از ارتباط بین انسان شناسی و هنر می‌شود که بیان کننده فرهنگ مادی یک جامعه همراه با شیوه و دستاوردهای فکری آن جامعه است. اینکه چه ارتباطی بین یک عمل فرهنگی و یک اثر هنری وجود دارد، باید هنگام کاوش در هنرها با هدف درک بهتر فرهنگ های انسانی در نظر گرفت.

به این ترتیب، هدف از این نوشتار شناسایی مرزهای فرهنگ مادی در ارتباط با انسان شناسی و هنر است که مصنوعات و اشیاء فرهنگی انتخاب شده، ظروف سفالی سیلک دوره مس‌سنگی در موزه ایران باستان می‌باشد. سوالاتی که در این نوشتار مطرح می‌شود این است که مصنوعات و اشیاء فرهنگی مانند ظروف سفالی سیلک، چگونه تحت تأثیر دغدغه های نظری در تعامل هنر و انسان شناسی تحلیل می‌شوند؟ چگونه مصنوعات ممکن است دربردارند زمینه‌های هنری و فرهنگ مادی باشند؟

از آنجایی که انسان شناسی و هنر تولید مصنوعات باستانی و اشیاء فرهنگی در ارتباط تنگاتنگ با یک دیگرند که کمک شایانی برای پاسخ گویی به پرسش های پژوهش ارائه می‌دهند و همچنین، تاکنون، مطالعات اندکی در این باره صورت گرفته، بنابراین، مطالعه انسان شناسی نمونه اشیاء، فرهنگ مادی مانند ظروف سفالی سیلک کاشان یک ضرورت احساس می‌شود که باید به آن بیش از پیش پرداخته شود. اهمیت این پژوهش به دلیل تأکید بر شناخت مفاهیم معناشناسانه آداب و سنن مردم دوره مس‌سنگی بر ظروف سفالی سیلک کاشان از طریق آنالیز این نقش مایه هاست.

بر این اساس، در این نوشتار از ۶ تصویر سفال های دوره سیلک III6-7 دوره مس‌سنگی براساس گزارش کاوش های باستان شناسی تپه سیلک جنوبی که در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود، به عنوان داده های پژوهشی برای درک جوامع انسانی آن دوره استفاده شده است. ابتدا، به تعاریفی چون هنر و فرهنگ مادی و تعریف انسان شناسی هنر پرداخته شده، سپس، نقش مایه های ظروف سفالی سیلک مطالعه شده که ارتباط بین هنر و انسان شناسی در زمینه اشیاء فرهنگی را به‌طور مشخص نشان می‌دهد.

## روش تحقیق

ظروف سفالین سیلک کاشان، یکی از مهمترین اکتشافات باستان شناختی است که در نتیجه فعالیت های میدانی در این منطقه به دست آمده است. در این پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر جمع آوری مستندات کتابخانه ایی کوشیده شده که در میان نظریه های مختلف انسانشناسی هنر از دیدگاه متفکران، با استفاده از نظریه انسان شناسی هنر به مثابه نظام معناشناختی نقوش در چارچوب فرهنگ مادی به مطالعه ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و یا معنایی در پس رویکرد انسان‌شناختی پرداخته شده است. به این ترتیب، نگارندگان ابتدا به تحلیل بصری نقشمایه های شش ظروف سفالی سیلک دوره مس‌سنگی در موزه ایران باستان پرداخته، سپس، جهت بررسی ارتباط این مصنوعات فرهنگ مادی با انسان شناسی، به بررسی مناسک و آداب و رسوم رایج در فرهنگ این دوره رجوع شده است.

## هنر و فرهنگ مادی

«اصطلاح "هنر" معانی مختلفی دارد که همگی مربوط به عملکرد و فرآورده‌های مهارت‌های انسانی است که با ویژگی‌های زیبایی‌شناختی (و نه عملکردی، مقدس یا علمی) مرتبط است و برای حواس انسانی جذابیت دارد» (Graburn, 2015). هنر تقریباً با دو معنای کلمه "فرهنگ" به طور برابر مرتبط است. از یک سو، فرهنگ به عنوان یک روش زندگی یا مجموعه ای از ایده ها



را در مقوله‌ی بین‌فرهنگی قرار داد و استفاده از معیارهای زیبایی شناختی شرط لازم و کافی نخواهد بود.

### تعریف انسان‌شناسی هنر

تعریف انسان‌شناختی هنر متأثر از ماهیت خود انسان‌شناسی است. انسان‌شناسی مطالعه جوامع بشری است و از این رو مقوله‌های انسان‌شناختی باید مبتنی بر جهان‌های واقعی که مردم در آن زندگی می‌کنند، قرار گیرد. برای مشخص شدن ارتباط بین هنر و انسان‌شناختی از تعریف کاربردی از هنر استفاده می‌شود که بیانگر این است که «اشیاء هنری آن دسته از اشیائی هستند که ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و یا معنایی دارند (اما در بیشتر موارد هر دو) که برای اهداف بازنمایی یا نمایشی استفاده می‌شوند» (Morphy, 1994). در اینجا، این تعریف منحصر به انسان نشده است، بلکه نشان دهنده نوع اشیایی است که انسان‌شناسان معمولاً وقتی به «اشیاء هنری» اشاره می‌کنند. مؤلفه‌های این تعریف احتمالاً در نوشته‌های بیشتر انسان‌شناسان درباره هنر یافت می‌شود. از نظر بوآس، «وجود آواز، رقص، نقاشی و مجسمه‌سازی در میان تمامی اقوام شناخته شده برای ما، دلیلی بر ولع انسان از تولید اشیاء و توانایی لذت بردن انسان از آن هاست» (Boas, 1927). به این ترتیب، انسان‌شناسی هنر صرفاً مطالعه آن اشیایی نیست که توسط تاریخ هنر غرب یا بازار هنر بین‌المللی به عنوان اشیاء هنری طبقه‌بندی شده‌اند. همچنین، هنر نیز مقوله‌ای دلخواه از اشیاء نیست که توسط یک نظریه مردم‌شناسانه خاص تعریف شده باشد. بلکه هنر نوع خاصی از فعالیت‌های انسانی است که هم خلاقیت تولیدکننده و هم ظرفیت دیگران را برای پاسخ دادن به اشیاء هنری و استفاده از آن‌ها یا استفاده از اشیاء به عنوان هنر در بر می‌گیرد. از این روی، مطالعه هنر را می‌توان در درون یک انسان‌شناسی فرهنگ مادی قرار داد و واضح است که مفهوم کلی‌تر هنر با درک نقش چنین اشیایی در زندگی اجتماعی انسان مرتبط است.

تحلیل انسان‌شناختی باید شامل درک این موضوع باشد که چگونه اجزا به کل کمک می‌کنند، و اینکه چه چیزی یک شی را به یک شی هنری تبدیل می‌کند، تنها می‌تواند با تحلیل در میان رسانه‌ها و در میان زمینه‌ها تعیین شود. جدا از تعریف بین‌فرهنگی خود هنر، رویکرد انسان‌شناختی یا رویکردهای انسان‌شناختی به هنر چه ویژگی‌هایی دارد؟ اولین پاسخ این است که رویکرد انسان‌شناختی به هنر به اندازه خود رشته متنوع است. اما در واقع، رویکرد انسان‌شناختی به هنر، رویکردی است که آن را در چارچوب جامعه تولیدکننده‌اش قرار می‌دهد. بنابراین، هنر یک جامعه خاص در ابتدا باید در رابطه با جایگاه آن در جامعه‌ای که در آن تولید شده است، درک شود، نه در رابطه با نحوه درک اعضای یک جامعه دیگر. پس، در ابتدا باید این هنر در بافت قوم‌نگاری خود قرار گیرد.

هنگامی که هنر در زمینه خود قرار می‌گیرد، باید کشف کرد که هنر چیست قبل از اینکه آن را تحلیل کرد و سنجید که چگونه به نوبه خود به زمینه‌ای که در آن رخ می‌دهد کمک می‌کند و بنابراین، تحلیل اینکه یک اثر هنری چه نوع شیئی است ممکن است پیش‌نیازی برای درک نقش یا تأثیر آن در اجرای آیینی باشد. همچنین، تراکم معنایی آن، تأثیر زیبایی‌شناختی آن، یا اهمیت تاریخی آن عامل مهمی باشد. تجزیه و تحلیل شی به درک و تعریف زمینه کمک می‌کند و این به نوبه خود اطلاعات مربوطه را در مورد خود شی ارائه می‌دهد.

### مجموعه ظروف سفالی سیلک کاشان دوره مس‌سنگی

سیلک<sup>۴</sup> نام نخستین تمدن ایران مرکزی در کاشان است. محوطه باستانی سیلک که در منطقه فین کاشان واقع شده قدمتی در حدود بیش از هشت هزار سال دارد. این تپه دراصل ویرانه‌های زیگورات باستانی ایران است. «نزدیک به هشت هزار سال پیش از میلاد، مردم غارنشین فلات ایران در پی دگرگونی‌هایی که از لحاظ آب و هوا و تشکیل مزارع و چمنزارها به وجود آمد به دشت‌ها روی آوردند و زندگی تازه‌ای را آغاز کردند و در تمدن آن‌ها نسبت به دوران‌های پیشین پیشرفت بیشتری دیده شد؛ کهن‌ترین مردم دشت‌نشین، مردم محل سیلک نزدیک کاشان بودند که آثار زندگی ایشان را در آن‌جا به دست آورده‌اند» (پرویز، ۱۳۹۰) تپه سیلک در حقیقت ویرانه‌های قدیمی‌ترین زیگورات جهان و نیایشگاه مردمان باستانی ایران بوده که از گل رس و سفال ساخته شده است.

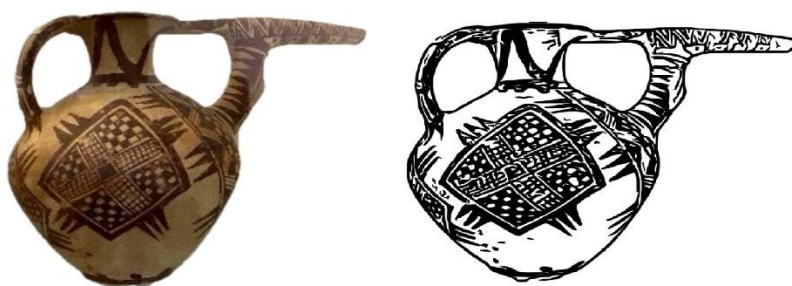
<sup>4</sup> Sialk

تپه سیلک به مدت سه دوره (سال های ۱۹۳۳، ۱۹۳۴ و ۱۹۳۷م.) توسط تیمی به سرپرستی رومن گیرشمن<sup>۵</sup> و همسرش تانیا گیرشمن<sup>۶</sup> حفاری شد. آثار حاصل از حفاری اولیه بیشتر به موزه لوور ختم شد، در حالی که برخی از آن ها را می توان در موزه بریتانیا، موزه متروپولیتن هنر نیویورک، موزه ملی ایران و خوی یا در دست مجموعه داران خصوصی یافت. این مصنوعات شامل ظروف منقوش سفالی بود (Ghirshman, 1938). سفالینه های خاکستری رنگ با لعاب سیاه درخشان ابتدا در حدود ۲۰۰۰ پیش از مسیح در سیلک به وجود آمد. این سفال ها که در کوره احیا کننده پخته شده اند که اولین نوع سفالسازی لعابی است. لعابکاری سفال در قرون وسطی در کاشان متداول گردید. غالب ظروف سفالی مکشوفه در دوره مس سنجی یا کالکولیتیک<sup>۷</sup> یا عصر فرانسوژیک (حدود ۵۵۰۰ تا ۳۰۰۰ قبل از میلاد) ر هزاره چهارم و پنجم پیش از میلاد) می باشد که احتمالاً با استفاده از یک تورنت<sup>۸</sup> (چرخ دست گردان سفالگری) [۱] ساخته می شد. «به لحاظ زمانی، آخرین مرحله توسعه فرهنگی جوامع پیشاز تاریخی فلات مرکزی ایران با مشخصه سفالینه های تپه های قبرستان و سگزآباد در دشت قزوین و سیلک در حاشیه شمالی کویر مرکزی شناخته می شود که در ادبیات سنتی باستانشناسی ایران به سفال های سیلک III<sub>6-7</sub> معروف هست» (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۵). از آنجا که در حال حاضر، تنها منبع موجود سفال های دوره سیلک III<sub>6-7</sub> گزارش کاوش های باستان شناسی تپه سیلک جنوبی است؛ معرفی ظروف سفالی دوره مس و سنجی این محوطه می تواند ارتباط شی فرهنگی در مقوله ای انسان شناسی را توضیح دهد.

### معرفی ظروف سفالی سیلک کاشان موزه ایران باستان

سفال های منقوش نخودی به جای مانده از دوره مس سنجی به نهایت کمال و ظرافت خود دست یافتند که به علت پیشرفت تکنیک سفالگری و استفاده از چرخ دست گردان سفالگری و کوره های پخت سفال بوده است. نقوش متنوعی بر روی این سفال ها پدیدار شد که شامل اشکال هندسی، گیاهی، جانوری و حتی انسانی بر روی سطح ظروف سفالی این دوره بود که علاوه بر جنبه تزئینی بودن، حاوی اطلاعات زیادی از روند تکامل سبک هنر نقاشی و تطور فرهنگ مادی انسان شناختی در ارتباط با نگاه آن ها به طبیعت و مسائل اکولوژیکی در این دوره است.

از جمله این ظروف؛ کوزه دهانه دار دارای بدنه ای گرد با گردنی کوتاه و دهانه ای گشاد است. دهانه لوله ای شکل بلندی از یک طرف بدنه این کوزه، دقیقاً در زیر شانه بیرون می آید و قبل از اینکه به صورت افقی بیرون بیاید، به لبه اصلی کوزه متصل شده است. یک دسته مورب نیز، شانه و لبه دهانه را از طرف دیگر به هم وصل می کند. این کوزه سفالی دهانه دار نخودی رنگ با تزئینات رنگ آمیزی شده به رنگ قهوه ای مایل به قرمز، از جمله نقش های شطرنجی روی بدنه، نقطه های روی لبه و طرح های ضربدری، زیگزاگ ها و خطوطی شعاعی شکل روی دهانه و دسته دیده می شود. احتمالاً از این ظرف سفالی برای ریختن ته نشین مایعات حاوی لرت [۲] مانند شراب استفاده می شده است، زیرا بدنه گرد و دهانه بلند آن مانع از سرازیر شدن لرت در فنان می شود. به نظر می رسد که احتمالاً از این ظرف در مراسم تشییع جنازه استفاده می شده و همراه با متوفی دفن می شده است. (شکل ۲)



<sup>5</sup> Roman Ghirshman

<sup>6</sup> Tania Ghirshman

<sup>7</sup> Chalcolithic

<sup>8</sup> Tournette

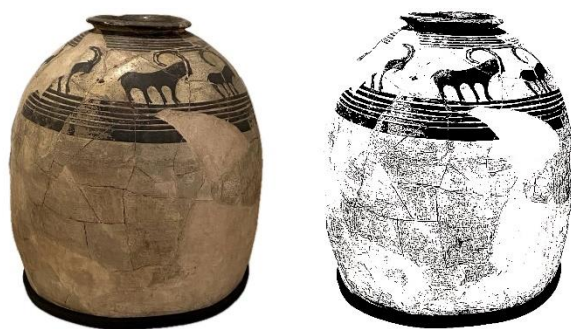
شکل ۲. کوزه سفالی دهانه دار، تپه جنوبی سیلک، کاشان، اصفهان، (حدود قرن ۵ قبل از میلاد)، دوره سیلک III-6، ابعاد: ۸.۸ × ۱۶/۹۷ × ۸/۵۱۱ × ۱۶/۵۷ اینچ (۱۹.۲ × ۲۹.۵ × ۱۸.۵ سانتی متر)، شماره اثر ۱۲، موزه ایران باستان، تهران.

ظرف دیگر، جام سفالی از حفاری های باستان شناسان در تپه سیلک نزدیک کاشان به دست آمده است که شواهد مهمی برای گاه شماری اولیه فلات ایران مرکزی ارائه می کند. این ظرف سفالی در دوره مس سنجی با دیواره های نازک و نیم رخ متقارن ساخته شده است. نقوش این جام سفالی با رنگ قهوه ای تیره و خطوط نقطه چین بزرگ با فواصل گسترده به صورت عمودی در کل بدنه جام و در زیر آن یک نوار افقی قرار می گیرند. نوار ضخیم دیگری عرض ترین نقطه ظرف را احاطه کرده است که از بالای آن ردیف هایی از خطوط افقی شانه مانند یا خطوط عمودی موج بالا می روند تا سطح بیرونی را بپوشانند و بالای آن سه نوار باریک تر قرار دارند که بالای آن ردیفی از مرغابی با پاهای خمیده به سمت راست حرکت می کنند. این ظرف احتمالاً برای نوشیدن مورد استفاده قرار می گرفته است. اما، تزئینات استادانه این جام سفالی این سؤال را به ذهن خطور می کند که آیا این جام سفالی به عنوان جام نوشیدنی مورد استفاده بوده یا برای استفاده در مناسبت های خاص از جمله مراسم تدفین یا آیینی کاربرد داشته است. از این روی، این نمونه شی فرهنگی را می توان در مقوله ی بین فرهنگی قرار داد. (شکل ۳)



شکل ۳. جام سفال با نوار افقی گسترده ای از نقوش نقاشی شده پرندگان، تپه جنوبی سیلک، کاشان، اصفهان، (اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد)، دوره سیلک III-6، ابعاد: ۸.۲۷ اینچ (۲۱.۰۱ سانتی متر)، شماره اثر ۲۱۷، موزه ایران باستان، تهران.

در هزاره سوم تا چهارم قبل از میلاد در مرکز و جنوب غربی ایران تزئینات نقاشی روی سفال مانند این کوزه بزرگ به سطح جدیدی از پیچیدگی رسید. ترکیبی از الگوهای هندسی، پرندگان و حیوانات به رنگ قهوه ای تیره بر روی خاک رس نخودی رنگ ترسیم شد. بر روی شانه بدنه خمره سفالی نگهداری مواد، تعدادی بز کوهی به صورت نیم رخ در بالای شش نوار قرار دارد که پهن ترین قسمت این کوزه بزرگ است. منحنی های شاخ های بز کوهی همانند فضا های منحنی بین پاهای حیوان، بازتاب دهنده شکل مدور کوزه هستند. طرح بز کوهی دارای انرژی و پویانمایی فوق العاده ای است. شکل کمی نامنظم خمره نشان می دهد که یا با دست با کلاف هایی از گل ساخته شده است یا با چرخ دست گردان سفاگری آهسته ای ساخته شده است. (شکل ۴)



شکل ۴. خمره سفالی تزئین شده با بز کوهی، تپه جنوبی سیلک، کاشان، اصفهان، (حدود ۳۳۵۰-۳۷۵۰ پیش از میلاد)، دوره سیلک III<sub>6-7</sub>، شماره اثر ۹۰، موزه ایران باستان، تهران.

نمونه ای دیگر، جام سفالی با تزئینات خطوط هم راستای شانه ای شکل و پرندگان است. این جام دارای پایه ای صاف و لبه ای تقریباً برگردان می باشد و از خاک رس نخودی با تزئینات قهوه ای رنگ از جمله خطوط هم راستای شانه ای شکل و نقش پرنده ایی که بیشتر شباهت به لک لک دارد، ساخته شده است. خطوط چرخ در قسمت داخلی این ظرف نشان می دهد که روی چرخ سفالگری ساخته شده است. سازنده این ظرف سفالی به جای اینکه جهان طبیعی را به صورت واقع گرایانه به تصویر بکشد، این پرنده را به شیوه ای انتزاعی به تصویر کشیده است که شاید برای تأکید بر جنبه ای از نقش آن در باورهای محلی باشد که در حال حاضر از دیدگاه انسان شناسی گم شده اند. (شکل ۵)



شکل ۵) جام سفالی با تزئینات خطوط هم راستای شانه ای شکل و پرندگان، تپه جنوبی سیلک، کاشان، اصفهان، (حدود ۵۳۰۰-۴۳۰۰ قبل از میلاد)، دوره سیلک III<sub>6-7</sub>، ابعاد: ۱۶/۵ × ۸/۱ × ۸/۱ اینچ (۲۰.۷ × ۲۰.۶ سانتی متر)، شماره اثر ۱۸۰، موزه ایران باستان، تهران.

لیوان سفالی با تزئینات هندسی زیگزاگ و دایره های تودرتو نیز، از آثار مکشوفه تپه سیلک در نزدیکی کاشان می باشد که دارای پایه باریک و مسطح، بدنه ای ۷ شکل و لبه ای برآمده است. این لیوان از رس نخودی رنگ با تزئینات سیاه رنگ آمیزی شده شامل خطوط عمودی نردبانی شکل زیگزاگ و ردیف های عمودی از و دایره های تودرتو در اتصال به شاخه ایی که یادآور طرحی گیاهی است، ساخته شده است. همچنین، در بخش پایین بدنه نواری با سه خطوط هم راستا قطر بدنه این لیوان را پوشانده است. از آنجایی که مردم در خانه های ساخته شده از خشت زندگی می کردند و مردگان خود را در زیر زمین دفن می کردند، دشوار است که بگوییم آیا این لیوان متعلق به محیط خانگی است یا یک محل تدفین. اما احتمالاً از آن به عنوان یک ظرف نوشیدنی استفاده می شده که در طول مراسم تشییع جنازه به همراه جسد دفن شده است. (شکل ۶)



شکل ۶. لیوان با تزئینات هندسی زیگزاگ و دایره های تودرتو، تپه جنوبی سیلک، کاشان، اصفهان، (حدود ۴۰۰۰-۳۶۰۰ قبل از میلاد)، دوره سیلک III<sub>6-7</sub>، ابعاد: ارتفاع: ۴.۳۱ (۱۰.۹۵ سانتی متر)؛ قطر رینگ: ۴.۰۰ اینچ (۱۰.۱۶ سانتی متر)، شماره اثر ۱۸۰، موزه ایران باستان، تهران.

یکی دیگر از نمونه های جام سفالی مکشوف از تپه سیلک نزدیک کاشان، جام سفالی با دهانه ایی بسیار قطور است که از ناهماهنگی های لبه و خطوط چرخ در قسمت داخلی این ظرف چنین پنداشته می شود که با خام دستی بر روی چرخ سفالگری ساخته شده است. با این وجود تقارن مشخصی در کل بدنه آن دیده می شود. چند تصویر انتزاعی از بز کوهی به صورت نیم رخ و ناتمام بر روی بدنه قرار دارد که پهن ترین قسمت این جام سفالین بزرگ را در بردارد. این ظرف نیز احتمالاً برای نوشیدن مورد استفاده قرار می گرفته است. اما، اندازه بزرگ و تزئینات این جام ممکن است دربردارنده مفهومی از کاربرد خاص این ظرف در مناسبت های خاص از جمله مراسم تدفین یا آیینی باشد که مبین مقوله ی بین فرهنگی است. (شکل ۷)



شکل ۷. جام سفالی با تزئینات خطوط هم راستای شانه ای شکل و نقش بز کوهی تپه جنوبی سیلک، کاشان، اصفهان، (حدود ۵۰۰۰-۴۲۰۰ قبل از میلاد)، دوره سیلک III 6-7. ابعاد: ۱۶/۵ × ۸/۱ × ۸/۱ اینچ (۲۰.۷ × ۲۰.۶ سانتی متر)، شماره اثر ۱۴۷، موزه ایران باستان، تهران.


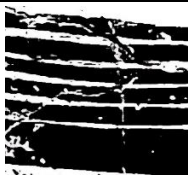


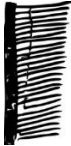







این نمونه ظروف سفالی سیلک کاشان یکی از انواع اشیاء فرهنگی و مصنوعات مادی هنر هستند که انسان شناسان هنگام تلاش برای درک فرهنگ به آن تکیه می کنند. آن ها را می توان به عنوان شواهد مهمی در تلاش برای درک فرهنگ دوره مس سنگی در نظر گرفت. تجزیه و تحلیل دقیق این آثار هنری می تواند به پیچیدگی هایی کمک کند که مردم شناسان با آن هم فرهنگ های فردی و هم طبیعت در حال تغییر فرهنگ های انسانی را به طور کلی درک می کنند.

### نقشمایه های ظروف سفالی سیلک کاشان موزه ایران باستان

در مطالعه نقوش ظروف سفالی سیلک کاشان می توان به سه دسته نقوش انتزاعی، گیاهی و حیوانی تقسیم کرد. نقوش انتزاعی ترسیم شده غالباً شامل نقش های شطرنجی، نقطه چین بزرگ با فواصل گسترده به صورت عمودی و طرح های ضربدری، زیگزاگ ها و خطوطی شعاعی شکل است. نقوش گیاهی به شکل ردیف های هایی عمودی از و دایره های تودرتو است و نقوش حیوانی دربردارنده تصویری از پرندگانی چون مرغابی و لک لک یا حیواناتی چون بز کوهی است. جدول زیر نشاندهنده نقش مایه های ظروف سفالی سیلک کاشان موزه ایران باستان است. (جدول ۱)

جدول ۱. تنوع نقش مایه های ظروف سفالی سیلک کاشان موزه ایران باستان. (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

ظروف سفالی سیلک	نقش مایه انتزاعی	نقش مایه حیوانی	نقش مایه گیاهی
		.....	.....
			.....

.....			
.....			
	.....		
.....			

وجود نقوش انتزاعی، حیوانی یا گیاهی در ظروف سفالی سیلک کاشان نشاندهنده فرهنگ غنی مردمانی است که در دوره مس سنگی می زیسته اند. این نقوش که زاینده خلاقیت و اندیشه انسانی است، نشاندهنده نمونه های اولیه نقوشی است که هم اکنون در فرهنگ و هنر ایران کاربرد دارد. این تطور و تکامل نقوش از شکل ابتدایی بیانگر توسعه اشیاء فرهنگ مادی به عنوان نتیجه یک فرآیند تجمعی بلوغ فکری انسانی است.

### مطالعه انسان شناسی ظروف سفالی سیلک کاشان موزه ایران باستان

در حالی که در قرن نوزدهم، علم نوظهور انسان شناسی روش خود را با ارجاع صریح به جمع آوری اشیاء «نشان دادن آداب و رسوم و روش های زندگی [انسان]» (Flower, 1898) تعریف کرد، چنین جهت گیری های ماتریالیستی بعداً توسط محققانی که برای تمایز بین انسان شناسی "اجتماعی" و همتای "فیزیکی" آن ارزش قائل بودند (Küchler, 2008)، منسوخ شد. «از دهه ۱۹۸۰ میلادی، علاقه انسان شناسی به هنر از نظریه های هنر که منحصر بر ویژگی های زیبایی شناسی آثار هنری متمرکز بودند، دور شد و رویکردهای ساختارگرایانه و نشانه شناسی که به هنر به عنوان زبان فرهنگی فرم های بصری معطوف شد» (Morphy, 1994). میراث این انشقاق یک پارادایم دوگانه بود که در قرن بیستم بین فرهنگ مادی و انسان شناسی رواج یافت. این امر به ویژه در مورد هنرهای مادی که به شدت بر واژگان مشترک فرهنگی متکی بودند، اهمیت داشت. همانطور که استوارت پلاتنر<sup>۹</sup> (۲۰۰۳) بیان می کند:

«مردم شناسان فکر می کنند که تولید هنری را باید نه صرفاً به عنوان زیبایی شناسی کاربردی، بلکه باید به عنوان فعالیتی نهفته در دنیای هنر، مجموعه پیچیده ای از روابط اجتماعی، نگریش. با این وجود، تمرکز بر شی منحصر به فرد هنری و نادیده گرفتن مجموعه پیچیده روابط انسانی که در ایجاد آن نقش داشته است اشتباه است» (Plattner, 2003). به طور کلی، انسان شناسی به بررسی چگونگی و چرایی هنرها می پردازد و مطالعه مردم شناسی هنر شامل مطالعات قوم نگاری و نیز تحقیقات در انسان شناسی فرهنگ مادی و باستان شناسی (مانند نقوش سفالینه های مکشوف از محوطه های باستانی و غیره) است.

با این وجود، حوزه فرعی باستان شناسی انسان شناسی از دیدگاه های خاص خود به مطالعه هنرها پرداخته است. باستان شناسان نمی توانند مشاهده کنند که یک شیء هنری چگونه خلق شده یا مورد استفاده قرار گرفته است و نمی توانند از سازندگان یا مصرف کنندگان

<sup>9</sup> Stuart Plattner

آن انواع سؤالات قوم‌نگاری را که سایر انسان‌شناسان فرهنگی ممکن است بر آن تکیه کنند بپرسند. به این ترتیب، انسان‌شناسی باستان‌شناسان به دنبال دانش تخصصی مربوط به زمینه‌های اجتماعی-تاریخی و فرهنگی هنر اولیه هستند و تحقیقات آن‌ها در زمینه اشیاء فرهنگی، نقطه‌شروعی برای سایر انسان‌شناسان برای تجزیه و تحلیل هنرهای قدیمی فراهم می‌کند. مصنوعات مادی هنر می‌تواند شامل بسیاری از اشیاء فرهنگ مادی باشد. از این روی، مطالعه شمایل‌نگاری این اشیاء، مطالعه تصاویر بصری، نمادها یا شیوه‌های بازنمایی است که به طور جمعی با یک شخص، گروه یا جنبشی خاص مرتبط است. به این ترتیب، هنر را می‌توان رفتاری بیانگر تعریف کرد که جهان‌بینی فرهنگی، موقعیت اجتماعی و سلسله‌مراتب انسانی را بیان می‌کند.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگ مادی تپه سیلک کاشان، ظروف سفالین منقوش است که طی اکتشافات باستان‌شناسی متعددی به دست آمده است. از آنجا که «سفال»، مهمترین عامل در شناخت گاه‌نگاری نسبی مبتنی بر سفال فرهنگ‌های پیش از تاریخ است» (مجیدزاده، ۱۳۷۰)، بررسی و معرفی سبک‌شناختی این سفالینه‌ها، منجر به شناخت توالی منظم تداوم لایه‌های فرهنگی خواهد شد. بر این اساس، شیوه‌گونه‌شناختی در انسان‌شناسی شناسایی و معرفی صفات مرتبط با فرهنگ‌ها و مصنوعات از جمله معرفی ظروف سفالی سیلک کاشان موزه ایران باستان جزئی از مجموعه‌های گونه‌شناختی هنری به شمار می‌آیند که دربردارنده افکار و اعمال انسانی است که نشان‌دهنده خلاقیت در تولید فرهنگی این اشیاء است.

از طرفی دیگر، ساختار مورفولوژی تپه سیلک در ساخت قلعه‌های دفاعی و توجه به مناطق کوهستانی و به خدمت گرفتن صنعت در ساخت اشیاء و مصنوعات بیانگر تحول و تطور کنش انسانی در بیان فرهنگ مادی این منطقه است. در تحلیل توپوگرافی منطقه سیلک دربردارنده تاریخ انسانی و زیست‌بوم منطقه است که غالباً با تحلیل بلوک دیاگرام محورهای آن فضا، زمان، سطح تکنیک و عملکرد انسانی آن شناخته می‌شود. از این روی، می‌توان به شناسایی توالی فرهنگی این ناحیه و بخشی از تحولات فکری و انسانی آن دوره پرداخت. چنانکه، طبق نظریه پیت ریورز در مورد توسعه اشیاء فرهنگ مادی از ساده به پیچیده به عنوان نتیجه یک فرآیند جمعی، می‌توان نوعی تکامل توسعه یافته را در طرح و ساختار ظروف سفالی سیلک متصور شد.

در بررسی تزئینات مرسوم سفال‌های ظریف این دوره در تپه سیلک، نقشمایه‌های انتزاعی این سفالینه‌ها که اصولاً ترکیبی از نقوش حیوانات، به ویژه پرندگان و بز کوهی همراه با نقوش هندسی است. در برخی ظروف سفالی این نقوش ساده‌تر و در برخی نقوش دیگر این نقوش تکامل یافته‌تر است. علاوه بر اینکه این نقوش می‌تواند جنبه آیینی نیز داشته باشد و از آنجا که غالب این ظروف سفالی در محل قبرها به دست آمده است، به نظر می‌رسد که غالباً مربوط به اجرای مراسم تدفین بوده باشند. همچنین، در ساختار این سفالینه‌ها، تقارن هماهنگ یا خام‌دستانه می‌تواند نشانه‌ای از استفاده سفالگر از چرخ دست‌گردان سفالگری به جای چرخ سفالگری پایی است که در دوره‌های بعد متداول شد.

بررسی نقشمایه‌های ظروف سفالی سیلک کاشان در سه سطح نقوش انتزاعی، حیوانی و گیاهی نشان‌دهنده سطوحی از تکامل این نقوش در دوره‌های بعدی ادوار هنری ایران است. این تکامل هنر و اندیشه انسانی در ارتباط با نقشمایه‌های ظروف سفالی سیلک که ارتباط مستقیمی با رشد فرهنگ مادی دارد، دربردارنده هنر در مفهوم دانسته‌ها و شیوه‌های بازنمایی این مصنوعات می‌باشد که ارائه‌کننده بینشی از آداب و رسوم مراسم تدفین جامعه دوره مس سنگی است که محصول این مرحله از تاریخ جوامع باستانی محسوب می‌شود. بنابراین نمی‌توان جنبه نمادین نقش مایه‌های اشیاء هنری را نادیده گرفت که می‌تواند مدخلی برای مطالعات آتی به شمار آید.

### نتیجه‌گیری

در حالی که عنصر ثابت به در تولید اثر هنری، به کارگیری تخیل، خلاقیت و مهارت بوده است، با این حال، هنر با هدفی خاص تولید می‌شود. انسان‌شناسان رویکردی کل‌نگر به هر موضوع هنر دارند و آن موضوع را در میان بافت وسیع‌تر یک فرهنگ قرار می‌دهند. در پاسخ به این پرسش که هنر چگونه مطالعه انسان‌شناسی را منعکس یا هدایت می‌کند، می‌توان چنین بیان کرد که هنر و انسان‌شناسی هر دو بر مهارت‌های مشاهده‌ای و اشکال مختلف سواد بصری برای جمع‌آوری و نمایش داده‌ها متکی هستند. بر اساس بررسی

اشیاء فرهنگی از کاوش های باستان شناسی، انسان شناسان داده های خود را عمدتاً به صورت مکتوب با استفاده از گزارش های قوم نگاری و بررسی عناصر بصری مصنوعات مکشوفه مانند نقشمایه ها گردآوری می کنند.

از سوی دیگر، هنر با اشیاء فرهنگ مادی در طرح تکاملی توسعه یافته بیانگر «فرهنگ مادی» است که منعکس کننده معنای کارکردی هنر همراه با تکامل اندیشه و فرهنگ انسانی است که بیانگر رشد توالی فرهنگی تدریجی ناحیه سیلک از تحولات فکری و انسانی است. علاوه بر اینکه، مطالعه شمایل نگاری تصاویر بصری، نمادها نقشمایه های سفالینه های سیلک هم دارای ابعادی کاربرد است و هم در در مناسبت های خاص استفاده می شده است که بیان کننده این موضوع است که به اجرای آیینی خاصی از جمله مراسم تدفین مرتبط بوده است. از این روی می توان ارتباط بین هنر و انسان شناسی را در زمینه اشیاء فرهنگی رابطه ای دو سویه و دیالکتیکی معرفی کرد که منجر به شناسایی توالی منظم تداوم لایه های فرهنگی و معرفی صفات مرتبط با فرهنگ ها و مصنوعات می شود.

### پی نوشت

۱. یک لوح گردان افقی شبیه به چرخ سفالگری، که یک دیسک صاف است که روی یک محور مرکزی هماهنگ شده است و می توان آن را با یک دست چرخاند در حالی که از دست دیگر برای صاف کردن و شکل دادن به گل سفال در مرکز چرخ استفاده می شود.
۲. رسوب کردن شراب و سرکه و آب لیمو و غیره.

### منابع

- اقتصاد، علیرضا؛ شهبازی، حمیدرضا و رضایی نسب، مهدی. (۱۳۹۷). انسان شناسی زیستی- انسان شناسی و فرهنگ و هنر- انسان شناسی و هنر، کنگره انسان شناسی زیستی و علوم انسانی، موسسه آموزش عالی کاویان، مشهد.
- بیک محمدی، نسرین؛ ضیغمی، مجید؛ بیک محمدی، خلیل اله؛ باقی زاده، سعید؛ گلچه، مهدی و یوسفی زشک، روح اله. (۱۳۹۵). گونه شناسی و طبقه بندی فرهنگ سفالی سیلک III<sub>6-7</sub> در پرتو یافته های کارگاه جنوبی محوطه ی میمنت آباد، پژوهش های باستان شناسی ایران (نامه باستان شناسی)، دوره: ۶، شماره: ۱۱، ۷۴-۵۷.
- پرویز، عباس. (۱۳۹۰). تاریخ سرزمین ایران: ۲۵ قرن تاریخ، چاپ اول، تهران: نگاه.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۸). انسان شناسی هنر: زیبایی، قدرت، اساطیر، تهران: نشر ثالث.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۷۰). باستانشناسی و سفال، مجله باستانشناسی و تاریخ، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰، ۴-۷.

- Allen, R. (2008). *The anthropology of art and the art of anthropology: a complex relationship* (Doctoral dissertation, Stellenbosch: University of Stellenbosch).
- Boas, F. (1955). *Primitive Art*. New York: Dover Publications Inc.
- Clarke, J. (2014). Disciplinary boundaries between art and anthropology. *Journal of Visual Art Practice*, 13(3), 178-191.
- Flower, W. H. (1898). *Essays on museums and other subjects connected with natural history*, by Sir William Henry Flower. Macmillan.
- Gell, A. (1998). *Art and agency: an anthropological theory*. Clarendon Press.
- Ghirshman, R. (1938). *Fouilles de Sialk: près de Kashan, 1933, 1934, 1937*. vol. 1, Paul Geuthner.
- Graburn, N. (2015). Art, Anthropological Aspects of. in Neil Smelser and Paul Baltes (eds.) *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*. London: Elsevier (Second edition).
- Morphy, H. (1994). *The Anthropology of Art*. In Companion Encyclopedia of Anthropology. Tim Ingold, ed., London: Routledge pp. 648-685.
- Kuchler, S. (1999). Binding in the Pacific: Between loops and knots. *Oceania*, 69(3), 145-156.
- Pitt-Rivers, A. H. L. F. (1906). *The evolution of culture: And other essays*. Clarendon Press.
- Plattner, S. (2003). Human subjects' protection and cultural anthropology. *Anthropological Quarterly*, 76(2), 287-297.
- Rubin, W. (1984). *Primitivism in 20th century art: affinity of the tribal and the modern*. New York: Museum of Modern Art.
- Schneider, A., & Wright, C. (2021). Between art and anthropology. In *Between Art and Anthropology* (pp. 1-21). Routledge.

## Studying the Relationship between Art and Anthropology in the Field of Cultural Objects (Case study: Sialk Pottery of the Copper Age in the Museum of Ancient Iran)

**Elaheh Panjehbashi**

**Associate Professor, Department of Painting,  
Faculty of Arts, Al-Zahra University (S),  
Tehran, Iran, Corresponding Author.**

**Negar Najibi**

**PhD student, Department of the Art Research,  
Faculty of Arts, Al-Zahra University (S),  
Tehran, Iran.**

### **Abstract**

In the past, the topic of separating anthropology from art reflected the general attitude of anthropologists towards material culture and was too limited. But recently, the anthropology of art has entered a new stage of moving towards its true position and most anthropologists have given a more central role to the introduction of material culture in relation to anthropology. In this way, the main issue raised is the inclusion of art in anthropology in the production of cultural objects. The purpose of this article is to investigate the relationship between art and anthropology in the field of cultural objects such as Sialk pottery vessels of the Copper Age in the Museum of Ancient Iran. The main question raised is, how does art reflect or direct the study of anthropology in the field of producing cultural objects? This research has been carried out using the descriptive-analytical method to study the relationship between art and anthropology in the field of cultural objects, including six Sialk pottery vessels of the Copper Age period belonging to the Museum of Ancient Iran. The results show that the stages of development of motifs and the structure of Sialk pottery are a reflection of the functional meaning of art in relation to the evolution of human thought and culture, which has been created in line with this growth and development of human action. Also, the dimensions and symbolic motifs of these pottery can not only be used for consumption, but also used for special occasions such as funeral or ritual ceremonies.

**Keywords:** “Anthropology”, “Art”, “Material Culture”, “Pottery”, “Sialk”, “Museum of Ancient Iran”.